

دکتر ابراهیم معراجی

مدیر گروه مطالعات آمریکا در مرکز
پژوهش های استراتژیک خاورمیانه



سیستم قضایی در ایالات متحده دارای پیچیدگی‌ها و فرایندهای خاصی است که شناخت آن، به تحلیل ما درباره عرصه تصمیم‌سازی و سیاست‌ورزی این کشور کمک می‌کند. روندهای قضایی در این کشور درباره دادگاه‌های پی‌درپی ترامپ، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده، بسیار برجسته شده است و از آنجایی که بسیاری از اتهامات وی قابل تعمیم و تسری به جو بایدن، رئیس‌جمهور کنونی آمریکا و نزدیکان وی است، می‌توان در یک رویکرد تطبیقی، این فرایند را مورد بررسی و تعمیق قرار داد. اتهامات ترامپ را می‌توان پیرامون مسائل مالیاتی، دخالت و حمایت روسیه در انتخابات ۲۰۱۶ از وی، نگهداری اسناد طبقه‌بندی شده به صورت غیرقانونی پس از دوره ریاست‌جمهوری و در نهایت، حمایت ترامپ از حمله طرف‌داران افراطی وی به ساختمان کنگره دانست و در طرف دیگر، رئیس‌جمهور کنونی آمریکا به دلایل مشابهی مانند نگهداری اسناد محرمانه در پارکینگ منزل مسکونی و مسائل مالیاتی هانتر بایدن، پسر رئیس‌جمهور جو بایدن، جایگاه او در هیئت‌مدیره شرکت انرژی اوکراینی و در نهایت، داشتن سلاح گرم غیرقانونی (درحالی‌که وی به دلیل اعتیاد، از داشتن سلاح منع شده است) متهم شده است البته رئیس‌جمهور کنونی ایالات متحده از این موارد، اظهار بی‌اطلاعی کرده است اما نکته حائز اهمیت در این نوشتار، مقایسه رویکرد سیستم قضایی، پیرامون این اتهامات و تأثیر نهایی سیاسی مترتب بر آن است.

استانداردهای دوگانه، پیرامون ترامپ و بایدن تحلیلی بر سیستم قضایی ایالات متحده و



دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده، تاکنون به جرائم متعددی متهم شده است و در تحقیقات متعددی در سیستم قضایی ایالات و دولت فدرال قرار دارد.

کیفرخواست علیه وی نشان می‌دهد که آقای ترامپ به ۳۷ مورد جنایی از جمله نگهداری عمدی اطلاعات دفاع ملی و ایجاد مانع در اجرای عدالت متهم شده است.

او نه تنها به نگهداری غیرقانونی مواد طبقه‌بندی شده از جمله اطلاعات مربوط به برنامه‌های هسته‌ای و «آسیب‌پذیری‌های احتمالی» ایالات متحده و متحدانش در برابر حمله نظامی بلکه به اشتراک‌گذاری برخی از آنها با افرادی که مجاز نبودند، متهم است. از طرف دیگر در سال ۲۰۱۹، بازرس ویژه مایک پاول، تحقیقی را در مورد ادعاهای تبانی و ممانعت از اجرای عدالت توسط تیم مبارزات انتخاباتی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آغاز کرد. این تحقیق، منجر به دو کیفرخواست علیه مشاور سابق ترامپ، مایکل کوهن شد اما ترامپ هرگز به اتهام خاصی متهم نشد.

دادستان ایالت نیویورک، الیور وچلرز نیز در حال تحقیق در مورد معاملات تجاری ترامپ است. این تحقیق شامل بررسی این است که آیا ترامپ مالیات خود را پرداخت کرده است یا خیر و آیا او از ارزش املاک خود برای اهداف مالیاتی خود کلاهبرداری کرده است یا خیر؟ ترامپ این اتهامات را رد کرده است. علاوه بر این، کمیته ششم مجلس نمایندگان در حال

برگزاری تحقیقاتی در مورد حمله ۶ ژانویه به ساختمان کنگره است. این کمیته، ترامپ را به تحریک این حمله و کمک به برنامه‌ریزی آن متهم کرده است. ترامپ این اتهامات را نیز رد کرده است.

اکنون مشخص نیست که آیا ترامپ، به هریک از اتهاماتی که علیه او مطرح شده است، محکوم خواهد شد یا خیر؟ با این حال، تحقیقات جاری در مورد او می‌تواند منجر به آسیب به اعتبار و شهرت ترامپ شود. این در حالی است که او نامزد شرکت در انتخابات ۲۰۲۴ است.

درباره رئیس‌جمهور کنونی ایالات متحده نیز اتهاماتی از جمله نگهداری اسناد محرمانه پیرامون وضعیت دفاعی آمریکا و برنامه‌های امنیتی این کشور، در وضعیتی خلاف قوانین و در پارکینگ منزل مسکونی وارد است. از طرف دیگر، پسر بایدن به دلیل سوءاستفاده از موقعیت پدر، متهم است. وی همچنین به فرار مالیاتی و نگهداری سلاح گرم، با توجه به عدم صلاحیت، متهم شده است.

آشکارا وزن اتهامات قضایی ترامپ سنگین‌تر است ولی نکته حائز اهمیت این است که دموکرات‌ها و رقبای ترامپ، در انتخابات پیش رو، به دنبال استفاده از این شرایط علیه ترامپ هستند تا بتوانند مانعی برای شرکت در انتخابات وی ایجاد کنند. این گونه به نظر می‌رسد که خود ترامپ از این وضعیت استقبال می‌کند! دادگاه‌های متوالی علیه ترامپ، او را به یک شخصیت جنجالی و رسانه‌ای تبدیل کرده است که همواره مورد توجه مخاطبان آمریکایی است.



این استاندارد دوگانه را می‌توان از منظر الزامات سیاسی مورد تحلیل قرار داد. ابتدا به دلیل شخصیت متفاوت و ناهمگن ترامپ، سیستم سیاسی ایالات متحده سعی دارد تا از تمام ظرفیت‌های خود بهره‌گیرد تا از حضور دوباره وی در عرصه سیاست جلوگیری کند. از طرف دیگر، به دلیل ضعف جسمانی رئیس‌جمهور کنونی و شرایط نامساعد بایدن، این‌گونه به نظر می‌رسد که پیروزی احتمالی ترامپ در انتخابات پیش رو، نه به دلیل توانمندی‌های ترامپ بلکه به دلیل ضعف رقیب وی خواهد بود؛ بنابراین سیستم حاکمیتی آمریکا، برای پر کردن خلأ موجود، از ظرفیت قضایی این کشور، بهره‌جسته است.

روشن است که این استاندارد دوگانه به هر دلیل که باشد، در تحلیل نهایی، به تضعیف سیستم

عملاً اتهامات علیه رئیس‌جمهور کنونی آمریکا و نزدیکان وی مسکوت شده است و آنچه نمایان است، برگزاری دادگاه‌های پی‌درپی چه به صورت ایالتی و چه به صورت فدرال علیه ترامپ است و دموکرات‌ها از موقعیت خود در واشنگتن، نهایت استفاده را کرده‌اند تا با برجسته کردن آنها بتوانند بر ذهنیت و تصمیم‌رأی دهندگان آمریکایی تأثیر گذارند.

این‌گونه به نظر می‌رسد که روند قضایی ایالات متحده به عنوان ابزاری سیاسی درباره این دو فرد، رویکرد متناقضی را در پی داشته است. روشن است که از منظر حقوقی، هر دوی آنها مرتکب جرمی شده‌اند که بر اساس قوانین جاری، می‌بایست پیگیری شوند اما به دلیل موقعیت رئیس‌جمهور آمریکا و ملاحظات مرتبط با آن، آنچه عیان است، برگزاری دادگاه‌هایی در اقصا نقاط آمریکا است که رئیس‌جمهور سابق را هدف قرار داده است.

فردی که طرف‌دار ترامپ است، تنها طرف‌دار ترامپ است و هیچ‌گاه از دیدگاه حزبی، وی را قضاوت نخواهد کرد و به صورت مشخص، رویکرد شخصیتی او را می‌پسندد؛ بنابراین هرچه بیشتر بستر حضور رسانه‌ای ترامپ فراهم گردد، حامیان انتخاباتی وی را مصمم‌تر خواهد کرد. در این کارزار آنچه قربانی شرایط کنونی است، نظام قضایی ایالات متحده است که در نظر شهروندان آمریکایی تضعیف شده است.

قضایی این کشور از منظر شهروندان منتهی می‌شود و باتوجه به انتقادات آشکار ترامپ از سیستم حاکمیتی این کشور، می‌تواند به تقویت موضع وی بینجامد.

نتیجه‌گیری

به نظر نگارنده، استفاده از نظام قضایی در حذف رقیب انتخاباتی در شرایط کنونی و وضعیت حاکم بر ذهنیت شهروندان آمریکایی، از یک طرف، اعتماد عمومی را به بی‌طرفی دستگاه قضایی تضعیف می‌کند و باتوجه به این نکته که ترامپ از این شرایط به دلیل نمای بیشتر رسانه‌ای، استقبال خواهد کرد، می‌تواند موقعیت وی را در بین جمهوری خواهان و در نهایت، انتخابات پیش رو تقویت کند. باید توجه داشت که

